ادامه از صفحه ۲

سند رسمی مدرن‌سازی رآکتور اراک

...و همچنین ساخت و عملیاتی‌نمودن رآکتور و آزمایشگاه‌های فرعی آن می‌باشد.

۲- ۱+۵، در راستای حمایت از پروژه مدرن‌سازی اراک، در مجموعه فعالیت‌هایی مبتنی‌بر همکاری مشارکت خواهد نمود، و در چارچوب یک گروه کاری، که بر مبنای یادداشت تفاهم فیمابین ۱+۵ تشکیل می‌شود، پروژه مدرن‌سازی اراک را متعاقب مشورت با ایران مورد حمایت قرار خواهد داد. این‌گونه فعالیت‌های مبتنی‌بر همکاری، از جمله شامل طراحی رآکتور، تولید و ارتقاء سوخت، ایمنی، تهیه و تولید اجزاء رآکتور، و مدیریت مصرف سوخت، به شکلی که در سند یادداشت تفاهم آمده است، خواهد بود.

۳- شرکت‌کنندگان در گروه کاری، در مطابقت با قوانین داخلی خود، متعهد به ارائه کمک برای بازطراحی و بازسازی رآکتور اراک و آزمایشگاه‌های فرعی آن به شرح ذیل می‌باشند:

• الف: چین در طراحی و ساخت رآکتور مدرن‌شده مشارکت می‌کند، که مشتمل بر حوزه‌هایی همچون مهندسی طراحی رآکتور، خدمات فناوری مهندسی، تأمین تجهیزات، و ساخت سوخت برای بازگذاری اولیه هسته مرکزی، برمبنای ترتیبات تجاری، خواهد بود. چین رئیس مشترک گروه کاری ۱+۵ می‌باشد.

• ب: ایالات متحده آمریکا، پشتیبانی فنی و بازنگری در طراحی رآکتور مدرن‌شده، همراه با تحلیل طراحی سوخت و استانداردهای ایمنی جهت تضمین سازگاری با شرایط و مشخصات کلیدی رآکتور مدرن‌شده را، به‌گونه‌ای که در برجام درج گردیده، ارائه خواهد کرد. آمریکا رئیس مشترک گروه کاری ۱+۵ می‌باشد.

• پ: فرانسه در بازبینی طراحی رآکتور، ارائه تجهیزات، برمبنای ترتیبات تجاری، و دریافت و مدیریت سوخت مصرفی، برمبنای ترتیبات تجاری، مشارکت می‌نماید.

• ت: انگلستان در بازبینی در طراحی رآکتور، آموزش ایمنی و امنیت، و تأمین تجهیزات، برمبنای ترتیبات تجاری، مشارکت می‌نماید.

• ث: آلمان در بازبینی طراحی، مطالعات امکان‌سنجی تأمین تجهیزات، برمبنای ترتیبات تجاری، مشارکت می‌نماید.

• ج: روسیه خدمات مشاوره‌ای و دسترسی به متخصصان را بر اساس اعلام نیاز رؤسای مشترک گروه کاری ۱+۵ فراهم خواهد نمود.

• چ: نماینده عالی اتحادیه اروپایی، به‌عنوان هماهنگ‌کننده کمیته مشترک، فرآیند تأیید طراحی‌های مربوطه و در صورت نیاز، صادرات تجهیزات لازم برای پروژه مدرن‌کردن را، تسهیل می‌نماید.

۴- یک مشارکت بین‌المللی متشکل از ایران و گروه کاری، پروژه مدرن‌سازی رآکتور اراک را انجام خواهد داد. چین و آمریکا به‌عنوان رؤسای مشترک گروه کاری ۱+۵، مسئولیت هماهنگی گروه کاری، تسهیل ارائه پاسخ سریع توسط گروه کاری به درخواست مساعدت از سوی ایران، مشتمل بر پاسخ‌های منسجم در زمینه بازبینی طراحی، و عمل به‌عنوان رابط به نیابت از گروه کاری با کمیسیون مشترک و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌باشند. چین به‌عنوان رابط اولیه بین گروه کاری ۱+۵ و ایران، ارتباط بین ایران و گروه کاری را در طول اجرای پروژه مدرن‌سازی اراک تسهیل خواهد کرد.

۵- ایران، در سریع‌ترین زمان ممکن، برنامه زمان‌بندی پنج‌ساله خود، شامل مراحل اصلی را، تدوین و با گروه کاری ۱+۵ در میان خواهد گذارد. گروه کاری سریعا برنامه زمان‌بندی ارائه‌شده توسط ایران را بازبینی و نقطه‌نظرات خود را به ایران ارائه خواهد کرد.

۶- گروه ۱+۵ و ایران تعهد جدی خود را برای همکاری به‌منظور تدوین طراحی نهایی رآکتور مدرن‌شده و متعاقبا طراحی نهایی آزمایشگاه‌های فرعی اعلام می‌دارند، (این اعلام تعهد) در راستای آمادگی برای ارسال طراحی نهایی رآکتور مدرن‌شده و طراحی نهایی آزمایشگاه‌های فرعی برای بررسی و تأیید توسط کمیسیون مشترک، پیش از ساخت آنها می‌باشد. کمیسیون مشترک قصد دارد ظرف مدت سه‌ماه بعد از دریافت طراحی کامل و نهایی، آن را بازبینی و تأیید خود را اعلام دارد. در همین راستا، گروه ۱+۵ و ایران قصد دارند تمامی همت خود را به کار گیرند تا اطمینان حاصل شود که طراحی نهایی رآکتور مدرن‌شده و آزمایشگاه‌های کمکی به شکلی که به کمیسیون مشترک ارائه گردیده، به‌وضوح معیارهای تعیین‌شده در برجام را مراعات نموده است. هدف از این کار تسهیل بازبینی و اعلام تأیید توسط کمیسیون مشترک منطبق با برجام است.

۷- اختلافات و نگرانی‌ها درخصوص اجرای این سند رسمی، از جمله ادعاهای مرتبط با عدم اجرا یا تأخیرهای بی‌مورد توسط هر یک از طرفین در ارتباط با تعهداتشان را می‌توان برای بحث و حل‌وفصل مطابق با برجام به کمیسیون مشترک ارجاع داد.

۸- هیچ‌چیز در این سند رسمی به‌هیچ‌وجه تغییر یا اصلاحی در برنامه جامع اقدام مشترک ایجاد نمی‌کند. در صورت تعارض میان این سند رسمی و برنامه جامع اقدام مشترک، برنامه جامع اقدام مشترک برتری دارد.

۹- این سند رسمی پس از امضای همه مشارکت‌کنندگان اجرائی خواهد شد.

۷ رئیس‌جمهور در تهران

ادامه از صفحه اول

در اجلاس سران کشورهای صادرکننده گاز، برخی از کشورهای عضو و ناظر در سطح وزیر یا معاون وزیر، شرکت می‌کنند. این نخستین‌بار است که هر سه اجلاس سران، فوق‌العاده وزیران و عادی وزیران در یک کشور برگزار می‌شود. پیش از این قرار بود اجلاس عادی وزیران مجمع کشورهای صادرکننده گاز در نیجریه برگزار شود که به درخواست ایران در تهران برگزار می‌شود. شعار سومین نشست سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز «گاز طبیعی، سوخت منتخب برای توسعه پایدار» است.

میهمانان روحانی

ولادیمیر پوتین

رئیس‌جمهور کشور روسیه، بالاترین مقام روس است که در این اجلاس حضور می‌یابد. سفر پوتین به ایران پس از هشت سال انجام می‌شود. قرار است پوتین با مقام معظم رهبری نیز دیدار و گفت‌وگو کند. به گفته مقامات کاخ کرملین روسیه، پوتین قرار است در سفر خود به ایران پیرامون مسائلی چون انرژی هسته‌ای، نفت و گاز و نیز همکاری‌های فنی و نظامی گفت‌وگو کند. روسیه با دراختیارداشتن ۲۶،۱۶ درصد از کل ذخایر گازی جهان، رتبه اول را در این زمینه به خود اختصاص داده است.

فؤاد معصوم

رئیس‌جمهور کشور عراق، نیز در این اجلاس شرکت می‌کند. عراق عضو ناظر این مجمع است. عراق به‌عنوان کشوری که منابع غنی نفتی و گازی دارد، از حیث منابع انرژی بسیار حائزاهمیت است. عراق با دراختیارداشتن ۱،۶۷ درصد از منابع گازی جهان از این حیث در رتبه ۱۱ جهان قرار دارد.

نیکلاس مادورو

رئیس‌جمهور کشور ونزوئلا، از دیگر افرادی است که به این اجلاس می‌آید و با حسن روحانی نیز دیدار خواهد کرد. او قرار است امشب وارد تهران شود. منابع طبیعی غنی، ونزوئلا را از حیث پتانسیل اقتصادی حائزاهمیت می‌کند. این کشور بیشترین منابع گازی خارج از خاورمیانه و یکی از بیشترین منابع گازی را نیز در اختیار دارد. ونزوئلا با دراختیارداشتن ۲،۶۲ درصد از منابع گازی جهان رتبه ۹ را از این حیث دارد.

خوان اوو مورالس

کشور بولیوی از دیگر اعضای اصلی مجمع صادرکنندگان گاز است. رئیس‌جمهور کشور بولیوی، از دیگر رؤسای جمهوری است که قرار است امشب در رأس هیأتی وارد تهران شود و در جریان اجلاس با حسن روحانی دیدار داشته باشد. کشور بولیوی از نظر معادن، بسیار غنی است خصوصا در زمینه قلع. بولیوی در زمینه ذخایر گازی نیز حرف‌هایی برای گفتن دارد. این کشور با دراختیارداشتن ۰،۳۹ درصد از سهم گاز جهان در رتبه ۲۹ جهان قرار دارد.

محمدو بوهاری

رئیس‌جمهور نیجریه، نیز میهمان روحانی خواهد بود. کشور نیجریه قرار بود میزبان نشست اجلاس عادی وزیران مجمع کشورهای صادرکننده گاز امسال باشد اما این نشست نیز در تهران برگزار شد. نیجریه با دراختیارداشتن ۲،۷۶ درصد از سهم گاز جهان در رتبه هشت جهان از این حیث قرار دارد.

تئودورا اوبیانگ انگوئما

رئیس‌جمهور گینه استوایی یکی دیگر از سرانی است که به ایران می‌آید و در اجلاس سران شرکت می‌کند. جمهوری گینه استوایی از نظر سهم ذخایر گازی در جهان با دراختیارداشتن ۰،۰۲ درصد در رتبه ۶۶ جهان قرار دارد. این کشور آفریقایی یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در این قاره است. او به‌عنوان رئیس‌جمهور این کشور از دیگر میهمانان حسن روحانی در جریان اجلاس سران کشورهای صادرکننده گاز است.

قربان قلی بردی محمداف

رئیس‌جمهور کشور ترکمنستان، از دیگر سرانی است که در این اجلاس شرکت می‌کند. او قرار است امروز وارد تهران شود. ترکمنستان از کشورهای عضو یا ناظر این مجمع نیست و به‌عنوان میهمان ویژه در این اجلاس حضور پیدا می‌کند اما گفته می‌شود این کشور نیز برای عضویت در این مجمع تمایل دارد. ترکمنستان ۳،۹۵ درصد از سهم ذخیره گازی جهان را در اختیار داشته و از این حیث، رتبه چهارم جهان را دارد.

عبدالمالک سلال

نخست‌وزیر الجزایر، دیگر میهمان حسن روحانی است. او قرار است علاوه بر دیدار با روحانی، با «علی لاریجانی»، رئیس مجلس و همچنین «اسحاق جهانگیری»، معاون اول رئیس‌جمهور، دیدار و گفت‌وگو کند. الجزایر با داشتن ۲،۳۷ درصد از سهم ذخایر گازی جهان در رتبه ۱۰ جهان قرار دارد.

تاریخچه اوپک گازی

اولین نشست وزیران که در آن وزیران کشورهای عضو بر سر اهداف مجمع به توافق رسیدند، در اردیبهشت سال ۸۰ در تهران برگزار شد. تأسیس چنین مجمعی تحت عنوان «اوپک گازی»، موردنظر مقام معظم رهبری بود. ایشان در دیداری با «ایگور ایوانف»، «دبیر شورای امنیت وقت روسیه»، با اشاره به اینکه حدود نیمی از ذخایر گازی جهان در این دو کشور وجود دارد، پیشنهاد داد که ایران و روسیه می‌توانند با همکاری یکدیگر سازمانی مربوط به همکاری‌های گازی ایجاد کنند. این ایده بعدها با سفر روس‌ها به قطر که از دیگر کشورهای دارای ذخایر عظیم گازی است، به این کشور پیشنهاد شد و موردموافقت آنها قرار گرفت.

اوپک گازی چیست؟

مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) یا اوپک گازی، یک سازمان بین‌المللی دولتی است که چارچوبی برای تبادل تجربه و اطلاعات بین کشورهای عضو ایجاد می‌کند. این مجمع درواقع گردهمایی تولیدکنندگان پیشرو گاز در جهان است که با هدف افزایش و تقویت سطح همکاری بین کشورهای عضو تشکیل شده است. GECF همچنین تلاش می‌کند مکانیسمی برای برقراری دیالوگی معنادار بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گاز ایجاد کند که در راستای ایجاد ثبات و امنیت عرضه و تقاضا در بازارهای جهانی گاز طبیعی حرکت کند. بر اساس اساس‌نامه این سازمان، GECF از حقوق اعضایش در قبال منابع گاز طبیعی و توانایی‌هایشان برای تولید، نگهداری و استفاده این منابع در راستای منافع مردم آن کشورها از طریق تبادل تجربیات، نظرات، اطلاعات و همکاری در مسائل مربوط به گاز حمایت می‌کند. الجزایر، بولیوی، مصر، گینه استوایی، ایران، لیبی، نیجریه، قطر، روسیه، ترینیداد و توباگو، امارات متحده عربی و ونزوئلا، ۱۲ عضو اصلی این مجمع هستند. عراق، قزاقستان، هلند، نروژ، عمان و پرو نیز اعضای ناظر این مجمع را تشکیل می‌دهند. این مجمع با تعداد اعضای فعلی خود، موقعیت قدرتمندی را در بازار گاز جهان و در میان سازمان‌های بین‌المللی انرژی از آن خود کرده است. این مجمع با داشتن ۶۷ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان، پتانسیل بالایی برای کشورهای عضو آن ایجاد می‌کند. کشورهای عضو این مجمع ۴۲ درصد از تولید گاز جهان، ۳۸ درصد از انتقال گاز با خط لوله و ۸۵ درصد از تجارت گاز طبیعی مایع‌شده را نیز در اختیار دارند. مجمع کشورهای صادرکننده گاز مایل است تعداد اعضای خود را افزایش دهد و اعضای جدیدی که منافع و اهداف مشترکی با اساس‌نامه مجمع دارند را می‌پذیرد.

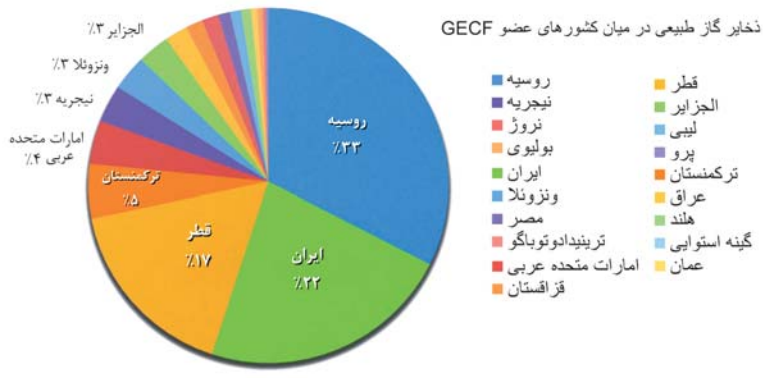

علی خرم، نماینده اسبق ایران در مقر اروپایی سازمان ملل:

نفت استراتژیک، جای خود را به گاز می‌دهد

زینب اسماعیلی: کشورهایی کوچک و کشورهایی بزرگ. اعضای مجمع صادرکنندگان گاز در چنین ترکیبی قرار دارند اما نقطه اشترک آنها بر سر این انرژی که فعلا محبوب است، موجب شده در تهران گردهم آیند. اگرچه نقطه اشتراک اصلی همه آنها در این اجلاس، تشریک مساعی بر سر مسائل مربوط به این انرژی است، اما برگزاری این اجلاس در تهران بستر دیپلماتیکی برای طرفین نیز هست. در این فضا می‌توان به نقاط اشتراک بیشتر پرداخت و از برخی موانع کاست. ازاین‌رو در گفت‌وگو با علی خرم، استاد روابط بین‌الملل و نماینده اسبق ایران در مقر اروپایی سازمان ملل، به بسترهای دیپلماتیک این اجلاس پرداختیم.

در سال‌های اخیر، ایران میزبان اجلاس مشابهی نظیر اجلاس مجمع صادرکنندگان گاز بوده یا نه؟

در سال‌های بعد از انقلاب، اجلاسی که اعضای صادرکننده انرژی در آن شرکت کنند، نداشتیم. اما قبل از انقلاب چنین اجلاسی داشتیم. اجلاس حاضر یکی از مواردی است که توانسته اجماع بقیه کشورها را جلب کند و راهگشای آن هم توافق هسته‌ای بود.

شما از منظر دیپلماتیک در مورد این اجلاس چه تحلیلی دارید؟

این اجلاس مثل هر اجلاس بین‌المللی‌ای زمینه‌هایی برای دیپلماسی دارد. کشورهای عضو و حتی غیرعضو در مورد اهداف این سازمان و برای تغییر و ارتقای آن همت به خرج می‌دهند، با کشورهای دیگر تماس می‌گیرند و بین خود اعضا هم تماس برقرار می‌شود تا از این طریق، بتوانند به پیشبرد این اهداف کمک کنند. بنابراین در این اجلاس هم راه دیپلماسی باز است و ممکن است که اعضا به آن مبادرت بورزند.

آیا مجمع صادرکنندگان گاز می‌تواند افقی مثل اوپک را پیش‌روی خود داشته باشد یا اینکه این تفاوت‌ها مانع جدی این دورنماست؟

البته از نظر کلی می‌تواند، ولی زمان می‌برد. اوپک الان نزدیک به پنج‌دهه زمان را پشت‌سر گذاشته تا به این مرز بلوغ رسیده است. اجلاس گازی زمان و دوره‌اش کوتاه است ولی می‌تواند راه خود را به پیش ببرد و به نتایج خوبی برسد. راه برای اجلاس گازی به اندازه اوپک باز است و می‌توان ظرف سال‌های آینده شاهد دستاوردهایی در این حوزه بود. اما گاز و نفت مختصاتی دارند که با هم تفاوت دارند. نفت یک ماده هیدروکربنی است که اگرچه در سال‌های اولیه ارزشمند بود اما در دو، سه‌دهه اخیر به جهت نقش آلایندگی تغییر جایگاه پیدا کرد. در این سال‌ها، گاز به‌عنوان انرژی پاک شناخته شد ولی به نفت به‌عنوان هیدروکربنی که می‌تواند گازکربنیک و دی‌اکسیدکربن تولید کند نگاه می‌شود که می‌تواند از این طریق جو زمین را آلوده کند و نگذارد آن اکسیژن لازم در فضا وجود داشته باشد و لایه ازن را از بین ببرد. در جریان استقبال از انرژی‌های پاک به‌تدریج آنها از نفت به سمت گاز رو آورده‌اند و البته ظرف چنددهه آینده از گاز به انرژی‌های نو، مثل انرژی خورشیدی و دیگر موارد رو خواهند آورد. از این نظر، نفت یک ماده قدیمی است که به‌تدریج جهان در حال فاصله‌گرفتن از آن است. با این حساب می‌توان گفت شاید در چنددهه آینده اهمیت گاز خیلی بیشتر از نفت خواهد شد.

اما در همه این سال‌ها، نفت به‌عنوان یک کالای استراتژیک محسوب شده است. آیا گاز این ویژگی را دارد؟ غیر از ویژگی‌های خود این انرژی، تولیدکنندگان این کالا، می‌توانند ویژگی استراتژیک را از نفت بگیرند یا نه؟

به‌تدریج ویژگی استراتژیک‌بودن نفت، جای خود را به گاز خواهد داد و این روند در جهان با گرایش حفظ محیط‌زیست رخ خواهد داد. اما نحوه نگهداری گاز مشکل‌تر از نگهداری نفت است. به‌عبارتی در مخزن‌های بزرگی که در سطح جهان وجود دارد و همه کشورهای صادرکننده و حتی واردکننده برای خودشان ایجاد کرده‌اند، می‌توانند از آن نگهداری کنند. اما گاز به این شکل نیست و به صورت ال‌ان‌جی یا گاز مایع می‌توانند از آن نگهداری کنند اما در حد نه‌چندان زیاد. اما به دلیل ویژگی‌های گاز، خطرات زیادی دارد و از این نظر در شرایط و تکنولوژی حاضر می‌توانند گاز را در سطح پایینی نگهداری کنند. اما به خاطر پاک‌بودن این نوع انرژی، این تمایل وجود دارد که تا حدود زیادی، گاز را در سطح جهان به مصرف برسانند و این روند تجارت گاز در جهان، یک تجارت مستمر است و اتحادیه اروپا هرسال سوخت زمستانی‌اش را از گاز روسیه تأمین و ال‌ان‌جی را هم از الجزایر خریداری می‌کند.

روسیه یک‌سال گذشته در بحران اوکراین با درگیری‌هایی بر سر انرژی و تحریم‌ها مواجه شد. آن موضوع به‌نوعی نشانه‌ای از این بود که بحث انرژی در جهان می‌تواند به موضوع چالش‌های بزرگ تبدیل شود. آن ماجرا را یک‌بار مرور کنیم. چه اتفاقی رخ داده بود؟

اتحادیه اروپا نزدیک به ۲۴ درصد انرژی موردنیازش را از طریق اوکراین و از روسیه وارد می‌کند و در عمل محتاج این گاز است. اما روسیه با اوکراین در مورد سرزمین دچار اختلاف شد و دعواهایی از نظر سیاسی و نظامی رخ داد و جامعه دوتکه شد. روسیه برای گازی که به اوکراین می‌داد قیمت کمتری قائل بود ولی قیمت گاز اتحادیه اروپا را به صورت ترانزیت و قیمت بین‌المللی محاسبه می‌کرد. اما اوکراین وقتی در دعوای سرزمینی با روسیه قرار گرفت، مسکو تحمل نکرد و سعی کرد که گاز مصرفی در اوکراین را هم به سمت قیمت بین‌المللی ببرد. اما این قیمت برای اوکراین خیلی گران بود. بعد از این قضایا در سال گذشته، دوباره روسیه گاز را وصل کرد و اوکراین از گاز روسیه که به نسبت ارزان‌تر از قیمت گاز بین‌المللی است، استفاده می‌کند.

آن بحران به‌نوعی نشان داد که موضوع انرژی مسئله‌ای تأثیرگذار در استراتژی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است؟

قطعا هر کالایی، مثلا گندم - نه گاز و نه نفت- وقتی قرار باشد از سوی برخی کشورها صادر شود، کشور صادرکننده می‌تواند از این اهرم استفاده کند و در مواقع لزوم آن را علیه کشور واردکننده به کار بگیرد. هر کالایی که در سطح بین‌المللی صادر می‌شود این پتانسیل را دارد که اگر رقیب نداشته باشد به‌عنوان کالای انحصاری، مورد استفاده قرار گیرد و گاز هم می‌تواند در همین زمینه این نقش را بازی کند.

از منظر دیپلماتیک، ایران و روسیه به‌عنوان دو کشور صادرکننده گاز، مدام در حال نزدیک‌شدن به همدیگر هستند. بعد از توافق هسته‌ای، توافقاتی در مورد سوریه انجام گرفت و اکنون موضوع گاز. این نزدیکی چقدر می‌تواند مفید باشد و چقدر می‌تواند نگرانی‌هایی را دامن بزند؟

همکاری ایران و روسیه در موضوعاتی وجود دارد ولی در برخی حوزه‌ها مثلا در زمینه گاز بالاخره دو کشور رقیب هستند. درست است که روابط ایران و روسیه، رابطه‌ای دوستانه است اما در موقع لزوم مثلا در فروش گاز به اروپا، قطعا روسیه تلاش می‌کند ایران را یا حذف یا دنباله‌رو خود کند. این بحث همیشه مطرح است و ایران باید در این‌گونه موارد همیشه دقت لازم را داشته باشد.

درست مثل سال گذشته که ایران با وجود داشتن پتانسیل برای انتقال گاز به اتحادیه اروپا، اصلا در شرایط این بازی سیاسی قرار نگرفت.

آن‌زمان شرایط کاملا مشخص بود، ایران تحت تحریم‌های سیاسی و اقتصادی بود و امکان همکاری‌های اقتصادی و سیاسی نداشت.

بعد از تحریم‌ها آیا ایران وارد این حوزه رقابت با روسیه خواهد شد و سهمی از بازار اروپا خواهد گرفت؟

خیلی با قطعیت نمی‌توان گفت بله، چون ایران هنوز امکانات گازی فراوانی ندارد. اگر روزی ایران این امکان را داشته باشد و مشکل سیاسی بین‌المللی هم نداشته باشد، می‌تواند وارد چنین عرصه‌های رقابتی‌ای شود.

ممکن نیست به دلیل مسائل مشترک بین ایران و روسیه، از برخی حوزه‌های رقابتی چشم‌پوشی کند؟

چشم‌پوشی نه، اما ممکن است موقتا همدیگر را در عرصه‌های مشترک تحمل کنند.

ادامه از صفحه ۷

سوءتفاهمی بزرگ درمورد شریعتی

عظمت‌گرایان مثل سنت‌گرایان می‌خواهد گذشته و شریعت را بازگردانند. مضمون و درونمایه این تفکر گذشته‌گراست، اما از روش‌های جدیدی که برای این بازگرداندن عظمت استفاده می‌کنند به روش مدرن نزدیک می‌شوند، یعنی از آخرین ابزارآلات مدرن برای اینکه گذشته را برگردانند، استفاده می‌کند. به همین دلیل می‌بینیم بازیگران این جریان تحصیل‌کرده‌ها هستند که خودشان را به شکل‌های سنتی درآورده‌اند و از روش‌ها و تکنولوژی‌های مدرن استفاده می‌کنند، تا اینجا شبیه نواندیشان هستند اما تفاوت‌شان با نواندیشان چیست؟ نواندیشانی مانند سیدجمال‌الدین، اقبال و شریعتی گذشته را نقد می‌کردند و اصولا آینده‌گرا بودند. آنها گذشته را در خدمت آینده می‌خواستند نه اینکه آینده و حال را برای گذشته بخواهند. در حالی که جریانات سنت‌گرا و عظمت‌گرا با خلع‌کردن ظرف و مظروف همه چیز را تغییر می‌دهند؛ یعنی اینکه مثلا اسلام که انقلابی بوده برای ظرف تاریخی و فرهنگی و اجتماعی زمان خود آمده است اما از روش‌ها و احکامی متأثر شده است. مثلا اسلام مخاطبش بردگان بودند و این نهضت علیه نظام بردگی به وجود آمد. اما به دلیل اینکه نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و تاریخی را نمی‌توان یک‌شبه تغییر داد آثار و بقایای نظام بردگی در قوانین اسلام باقی مانده است. خب اگر ما این روح اسلام را دربابیم با همه اشکال بردگی مخالفت می‌کنیم، اما می‌بینیم که افراط‌گرایان فرمالیست هستند. این بنیادگرایان اصولا اولین شاخصه‌شان این است که فرمالیست هستند؛ یعنی می‌خواهند تمام گذشته را آنچنان که بوده، بازگردانند. آنها در بساطشان چوبی را می‌فروشند که می‌گویند پیامبر با این مسواک می‌زد. اینها کاری ندارند که اصل مسواک‌زدن را پیامبر سنت کرد، نه اینکه این چوب مقدس باشد.

در حالی که نواندیشان دینی مثل سیدجمال‌الدین، اقبال و شریعتی می‌خواستند با پذیرش آخرین دستاوردهای علم و زمان، کتاب و سنت را به امروز برسانند. دوران شریعتی صورت‌بندی معرفتی خودش را داشت. شریعتی با پاسخی که به پرسش زمانه خود می‌داد، شناخته می‌شود. اما اندیشه شریعتی پتانسیل و ظرفیتی داشت که توسط پیروانش و آثاری که باقی مانده، ادامه دارد. ما پیروان شریعتی و پویندگان پروژه‌ای که امثال شریعتی پیشگامان آن بودند، امروزه در دوران دیگری هستیم، با صورت‌بندی معرفتی و گفتمان‌ها و پرسمان‌های دیگری روبه‌روییم؛ برای همین باید صورت مسئله جدید را دوباره مطرح کرد و گفت که تداوم نسلی و گفتمانی در شکل جدید چگونه صورت می‌گیرد. عصر ما، عصر تصاحب و پایان‌هاست، در حالی که عصر شریعتی، عصر ایدئولوژی‌ها و انقلاب‌ها بود. عصر ما در جهان اسلام با پدیده بنیادگرایی روبرو می‌شویم که در عصر شریعتی با آن روبه‌رو نبودند، از زمان مشروطه بنیادگرایی مذهبی داشته‌ایم. اما این پدیده‌ای که امروز پیش آمده که غربی‌ها نام آن را بنیادگرایی گذاشته‌اند، پدیده ویژه‌ای است که رشد کرده و از سنت‌گرایی عبور کرده است: زمینه سیاسی آن باعث شده رشد کند و پدیده‌ای مانند فاشیسم و نازیسم شود. خوشبختانه امروز ملت ما در مقابل چنین چیزی واکسینه شده است. خطر افراط‌گرایی امروز در تمام جهان اسلام به طور بالقوه وجود دارد، اما ایران این‌گونه نیست. درحال‌حاضر تنها جای امن ایران است. دلیل آن نیز کاری است که روشنفکران دینی کردند و تجربه‌ای که ما از سر گذراندیم، دستاوردهای مثبتی داشته است. آن هم اینکه ما را در مقابل خطر بنیادگرایی که همه جهان اسلام و بقیه جهان درگیر آن هستند، واکسینه کرده است.